

**خانه حضرت مهدی (عج) کجاست**

درباره محل زندگی حضرت مهدی موعود(عج) و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد، عمدتاً در این روایات، مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را به عنوان پایگاه حکومتی آن حضرت معرفی کرده‌اند.



درباره محل زندگی حضرت مهدی موعود(عج) و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد، عمدتاً در این روایات، مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را به عنوان پایگاه حکومتی آن حضرت معرفی کرده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فارس، پنهان زیستی حضرت مهدی(عج) نه تنها چگونگی زندگی آن حضرت را در حاله‌ای از اسرار فرو برده که بسیاری از موضوعات مربوط به حیات آن حضرت را نیز جزو امور پنهان نظام هستی قرار داده است، یکی از مهم‌ترین این امور پنهان، محل زندگی آن حضرت در طول غیبت ایشان است، از این رو بسیاری علاقه‌مند هستند بدانند که خورشید پنهان در کدامین بخش از این کره خاکی به گذران عمر می‌پردازد و به بیان دیگر کدامین قسمت از زمین این منزلت را دارد؟

حجت‌الاسلام خدامراد سلیمیان عضو هیأت علمی پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی این گونه پاسخ می‌دهد:

میلیون‌ها انسان عاشق و شیفته صدها سال است که در هر پگاه آدینه زبان به ندبه می‌کشایند و این گونه می‌سرایند: «لیت شعری این استقرت بک التوی بل ای أرض تغلک اوثری: ابرضوی أو غیرها أم ذی طوی؟ عزیز علی أن أری الخلق ولاتری»(1)، ای کاش می‌دانستم در چه جایی منزل گرفته‌ای و چه سرزمین و مکانی تو را در برگرفته است! آیا در کوه رضوایی و یا جای دیگری و یا در ذی طوی هستی؟ دشوار است بر من که مردمان را ببینم و تو دیده نشوی.

حال برای روشن شدن این موضوع، پای به گلستان کلام معصومین(ع) می‌کشاییم و با سیری در کلام نورانی ایشان از آن انفاس قدسی برای حل این معما استمداد می‌طلبیم.

با یک نگاه کلی در این بوستان پر طراوت به چهار دسته روایت در این موضوع بر می‌خوریم که هر یک، محل زندگی آن حضرت را در دوره‌ای از حیات پر برکت ایشان به تصویر کشیده است، اگر چه در مورد برخی دوره‌ها صراحت و روشنی بیشتری وجود دارد و برخی از دوره‌ها بنا بر عللی به اجمال و ابهام پاسخ داده شده است.

این دوره‌ها عبارتند از:

### 1. دوران زندگی با پدر بزرگوار خود امام حسن عسکری(ع) (255-260ق)

شکی نیست که آن امام همام در شهر سامرا و در خانه پدرش امام حسن عسکری(ع) دیده به جهان گشود و تا پایان عمر شریف پدر خود در کنار آن حضرت می‌زیست، این دوران بنا بر قول مشهور از نیمه شعبان سال 255 قمری آغاز و در هشتم ربیع الاول سال 260 قمری پایان یافت.

علاوه بر نقل موثق تاریخی، افراد فراوانی از این حادثه بزرگ پرده برداشته‌اند: شیخ صدوق(ره) در کتاب شریف کمال الدین و تمام النعمه - که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های نگاشته شده در موضوع مهدویت است - داستان ولادت حضرت مهدی(عج) را این گونه نقل کرده است: حکیمه، دختر امام جواد(ع) گوید: امام حسن عسکری(ع) مرا نزد خود فراخواند و فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای متعال امشب حجت خود را که حجت او بر روی زمین است ظاهر سازد، گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست، فرمود: همین است که به تو می‌گویم، آدمم و چون سلام کردم و نشستم نرجس آمد کفش مرا بردارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم، حالتان چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی، از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمه جان! این چه فرمایشی است؟ بدو گفتم: ای دخترجان! خدای متعال امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقااست... (2).

آنگاه به صورت مفصل داستان را ذکر کرده است، این روایت از مهم‌ترین روایات درباره ولادت حضرت مهدی(ع) است و دلالت بر ولادت حضرت مهدی(ع) در خانه امام عسکری(ع) در سامرا دارد.

«ضوء ابن علی» از مردی از اهل فارس که نامش را برده نقل می‌کند که:

به سامرا آمدم و در خانه امام حسن عسکری(ع) ملازم شدم، حضرت مرا طلبید، من وارد شدم و سلام کردم. فرمود: برای چه آمده‌ای؟ عرض کردم: برای اشتیاقی که به خدمت شما داشتم، فرمود: پس دربان ما باش، من همراه خادمان در خانه حضرت بودم، گاهی می‌رفتم هر چه احتیاج داشتند از بازار می‌خریدم و زمانی که در خانه مردها بودند، بدون اجازه وارد می‌شدم.

روزی [بدون اجازه] بر حضرت وارد شدم و او در اتاق مردها بود، ناگاه در اتاق حرکت و صدایی شنیدم، پس فریاد زد: بایست. حرکت مکن! من جرأت در آمدن و بیرون رفتن نداشتم، پس کنیزی که چیز سر پوشیده‌ای همراه داشت از نزد من گذشت، آنگاه مرا صدا زد که در آی، من وارد شدم و کنیز را هم صدا زد. کنیز نزد حضرت بازگشت. حضرت به او فرمود: از آنچه همراه داری روپوش بردار، کنیز از روی کودکی سفید و نیکوروی پرده برداشت و خود حضرت روی شکم کودک را باز کرد، دیدم موی سبز که به سیاهی آمیخته بود از زیر گلو تا نافش روئیده است. پس فرمود: این است صاحب شما و به کنیز امر فرمود که او را ببرد، پس من آن کودک را ندیدم تا امام حسن عسکری(ع) وفات کرد.(3)

نه تنها بستگان نزدیک و خدمتگزاران بیت امامت، آن حضرت را در شهر سامرا و در خانه امام عسکری(ع) دیده‌اند که بسیاری از یاران و خواص اصحاب امامت به شرف دیدار آن جمال چون آفتاب نائل آمده‌اند و همگی حکایت از مدعای زندگی امام مهدی(عج) در کنار پدر در شهر سامرا دارد.

«یعقوب بن منقوش» گوید: بر امام حسن عسکری(ع) وارد شدم و او بر سکویی در سرا نشسته بود و سمت راست او اتاقی بود که پرده‌های آن آویخته بود، گفتم: ای آقای من صاحب الامر کیست؟ فرمود: پرده را بردار، پرده را بالا زدم، پسر بچه‌ای به قامت پنج و جب بیرون آمد با پیشانی درخشان و روی سپید و چشمانی دُرّافشان و دو کف ستبر و دو زانوی برگشته، خالی برگونه راستش و گیسوانی بر سرش بود، آمد و بر زانوی پدرش ابومحمد نشست، آنگاه به من فرمود: این صاحب شماس، سپس برخاست و امام بدو گفت: پسر من! تا وقت معلوم داخل شو و او داخل اتاق شد و من بدو نگریستم، پس به من فرمود: ای یعقوب! به داخل بیت برو و بین آنجا کیست، من داخل شدم اما کسی را ندیدم.(4)

همچنین «احمد بن اسحاق» گوید: بر امام حسن عسکری(ع) وارد شدم و می‌خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم، او آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق خدای متعال از زمان آدم(ع) زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت. به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می‌کند و به خاطر اوست که باران می‌فرستد و برکت‌های زمین را بیرون می‌آورد.

گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت در حالی که بر شانه‌اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید، فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای متعال و حجت‌های او گرامی نبودی این فرزند را به تو نمی‌نمودم، او همانم و هم‌کنیه رسول خدا(ص) است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است، او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خدای متعال او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد.

احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من! آیا نشانه‌ای هست که قلبم بدان اطمینان یابد؟ آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: أنا بقیة الله فی أرضه والمنتقم من أعدائه، ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده جستجوی نشان مکن، احمد بن اسحاق گوید: من شاد و خرم بیرون آمدم.(5)

بنا بر روایات فوق و دهها روایت دیگر تردیدی نخواهد ماند، بر اینکه حضرت مهدی(عج) در طول حیات امام عسکری(ع) همراه ایشان و در شهر سامرا مسکن و مأوای داشته‌اند و اگر چه در این دوران نیز مخفیانه زندگی می‌کرده‌اند، ولی عده فراوانی از نزدیکان و شیعیان ایشان را دیده‌اند.

## 2. دوران غیبت صغرا (260 تا 329ق.)

غیبت صغرا عبارت است از دوران پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی(عج) که طبق نظر مشهور با شهادت امام حسن عسکری(ع) (سال 260ق) آغاز شده و با رحلت چهارمین نایب خاص آن بزرگوار (سال 329ق) به پایان رسیده است که مجموعاً 69 سال می‌شود،

اگر چه به روشنی محل زندگی آن حضرت در این دوران مشخص نیست، ولی از روایات و قرائن به دست می‌آید که این مدت را

حضرت عمدتاً در دو منطقه سپری کرده‌اند: یکی منطقه عراق و دیگر مدینه منوره که البته روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارد.

از امام صادق(ع) در این زمینه نقل شده است که فرمود: «للقائم غیبتان إحداهما قصيرة والأخرى طويلة. الغيبة الأولى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصة شيعته والأخرى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصة موالیه»(6)، برای [حضرت] قائم(عج) دو غیبت است. یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اول جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر جز دوستان مخصوصش از جای او خبر ندارند.

در دوران غیبت صغرا، از سفیران چهارگانه (نواب خاص) کسی نزدیک‌تر به آن حضرت ذکر نشده است و ایشان هم تماماً در عراق و همواره با حضرت در ارتباط بوده‌اند و توقیعات فراوانی از طرف حضرت به دست آن‌ها شرف صدور یافته است، بنابراین می‌توان گفت بخشی از عمر آن حضرت در این دوران در عراق سپری شده است.

دسته‌ای دیگر از روایات به صورت مطلق (بدون در نظر گرفتن صغرا و کبرا بودن غیبت) زندگی حضرت را در دوران غیبت در مدینه منوره ذکر کرده‌اند که با توجه به روایات دسته نخست می‌توان گفت بخشی از عمر آن حضرت نیز در مدینه سپری شده است.

امام باقر(ع) در این باره فرمود: «لابد لصاحب هذا الأمر من عزلة... و نعم المنزل طيبة»(7)، به ناگزیر برای صاحب این امر عزلت و گوشه‌گیری خواهد بود... و طيبة (مدینه) چه منزلگاه خوبی است.

همین روایت در کتاب شریف اصول کافی با اندک تفاوتی از امام صادق(ع) این گونه روایت شده است: «لابد لصاحب هذا الأمر من غيبة و لابد له فی غیبتة من عزلة و نعم المنزل الطيبة»(8)، به ناچار صاحب الامر غیبت کند و به ناچار در زمان غیبتش گوشه‌گیری کند، چه خوب منزلی است طيبة (مدینه).

همچنین ابوهاشم جعفری می‌گوید: به امام عسکری(ع) عرض کردم: بزرگواری شما مانع می‌شود تا از شما پرسش نمایم، پس اجازه بفرمایید سؤالی بپرسم، حضرت فرمود: بپرس، عرض کردم: ای آقای من! آیا فرزندی دارید؟ فرمود: بله! گفتم: اگر اتفاقی رخ داد، کجا او را پیدا کنیم؟ پس فرمود: در مدینه.(9)

بنابراین جمع بین دو دسته روایات به این صورت است که آن حضرت در مدینه حضور داشته‌اند؛ ولی به خاطر ارتباطی که آن حضرت با نواب خاص داشته‌اند بخشی از عمر خود را در عراق سپری کرده‌اند.

### 3. دوران غیبت کبرا

اصطلاحاً غیبت کبرا به مدت زمان پنهان زیستی حضرت مهدی(عج) گفته می‌شود که با وفات آخرین نایب خاص در سال 329 قمری آغاز و همچنان ادامه دارد و تنها خداوند متعال است که پایان آن را می‌داند، این دوران ویژگی‌هایی دارد که آن را از دوران غیبت صغری کاملاً متمایز می‌سازد که از جمله آن ویژگی‌ها کامل شدن غیبت آن حضرت است.

به همان اندازه که پنهان زیستی حضرت مهدی(عج) در این دوران به کمال می‌رسد و نیابت و سفارت همانند دوران غیبت صغرا وجود ندارد، محل زندگی آن حضرت نیز نامشخص‌تر می‌شود و در این دوران است که هرگز به طور قطع نمی‌توان مشخص کرد، آن حضرت در کجا زندگی می‌کند.

البته روایات در این باره به محل‌های مختلفی اشاره کرده‌اند که برخی از آنها از این قرارند:

الف) مدینه طيبة: همان طور که قبلاً نیز اشاره شد برخی از روایات به صورت عام و بدون قید زمان غیبت صغری، مدینه را به عنوان جایگاه آن حضرت در دوران غیبت مورد اشاره قرار داده‌اند.

ب) ناحیه ذی طوی: ناحیه ذی طوی در یک فرسخی مکه و داخل حرم قرار دارد و از آنجا خانه‌های مکه دیده می‌شود، برخی از روایات آن محل را به عنوان جایگاه حضرت مهدی(عج) در دوران غیبت معین کرده‌اند.

امام باقر(ع) در این باره فرمود: «یکون لصاحب هذا الأمر غيبة فی بعض هذه الشّعب و أوماً بیده إلى ناحیه ذی طوی»(10)، صاحب این امر را در برخی از این دره‌ها غیبتی است و با دست خود به ناحیه ذی طوی - که نام کوهی است در اطراف مکه -

در برخی دیگر از روایات نیز ذکر شده که حضرت مهدی(عج) قبل از ظهور در «ذی طوی» به سر می‌برد و آنگاه که اراده الهی بر ظهور آن حضرت تعلق گیرد از آنجا وارد مسجدالحرام می‌شود.

امام باقر(ع) در این باره فرموده‌اند: «إِنَّ الْقَائِمَ يَهْبِطُ مِنْ ثَنِيَّةِ ذِي طَوِي فِي عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا حَتَّى يَسْنِدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ وَ يَهْتَرُ رَايَةَ الْغَالِبَةِ» (11)، قائم(ع) در میان گروهی به شمار اهل بدر - سیصد و سیزده تن - از گردنه ذی طوی پایین می‌آیند تا آن که پشت خود را به حجرالاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروز را به اهتزاز در می‌آورد.

ج) دشت‌ها و بیابان‌ها: از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که آن حضرت در طول غیبت کبرا محل خاصی ندارد و همواره در سفر به سر می‌برد.

از امام باقر(ع) نقل شده است که وقتی شباهت‌های حضرت مهدی(ع) به انبیا را بیان کردند، چنین فرمودند: «و اما شبهه من عیسی فالسیّاحة» (12)، و اما شباهت حضرت مهدی(عج) به حضرت عیسی(ع) جهانگردی و نداشتن مکانی خاص است.

در توقیعی که از حضرت مهدی(عج) به نام شیخ مفید صادر شده است، نیز به نامعلوم بودن مکان حضرت مهدی(ع) اشاره شده است.

در آن نوشته چنین آمده است: «... و إن كتّا ثاوین بمكاننا التائی عن مساكن الظالمین حسب الذی أراناه الله لنا من الصّلاح شیعتنا المؤمنین فی ذلك مادامت دولة الدنیا للفاستقین...» (13) ... با اینکه ما براساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و شیعیان مؤمنان تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است، در نقطه‌ای دور و پنهان از دیده‌ها به سر می‌بریم... .

همچنین در پاره‌ای از ملاقات‌های معتبر که در دوران غیبت کبری نقل شده است، حضرت به این نکته اشاره فرموده‌اند، «علی بن ابراهیم بن مهزیار» پس از نقل ملاقات خود با حضرت مهدی(عج) به نقل از ایشان چنین می‌گوید: آن حضرت فرمود: «یابن المازیار اَبی اَبو محمد عهد اِلَیَّ اَلَا اُجَاوِر قوما غضب الله علیهم... وأمرنی اَلَا اُسکن من الجبال اِلَّا وعرها ولا من البلاد اِلَّا قفرها» (14)، همانا پدرم ابومحمد با من عهد فرمودند که در مجاورت قومی که خداوند بر آنان غضب کرده است قرار نگیرم... و به من فرمود که در کوه‌ها ساکن نشوم، مگر قسمت‌های سخت و پنهان آن و در شهرها ساکن نشوم مگر شهرهای متروکه و بی آب و علف.

این نامعلوم بودن محل زندگی آن حضرت در دوران غیبت کبری سبب شده تا عده‌ای به گمانه‌زنی‌هایی بعضاً سست و واهی بپردازند و به طرح محل‌هایی که اثبات آن‌ها کاری بس مشکل است، روی آورند، افسانه جزیره خضرا یا مثلث برمودا و مانند آن حکایت‌هایی است که در تاریخ پر فراز و فرود این اعتقاد رخ داده است، ولی همواره روشنگران این مذهب حق، مردم را از لغزش در این بیراهه‌ها برحذر داشته‌اند.

#### 4. دوران ظهور و حکومت مهدی(عج)

دوران ظهور که درخشان‌ترین فراز تاریخ و بهترین دوران حیات انسانی است، ویژگی‌های فراوانی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها حاکمیت آخرین معصوم و حجت الهی است. درباره محل زندگی حضرت مهدی(عج) و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد. عمدتاً در این روایات، مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را به عنوان پایگاه حکومتی آن حضرت معرفی کرده‌اند، مسجد سهله شرافت بسیاری دارد؛ از جمله در روایات ذکر شده که در این مسجد، هزاران پیامبر به نماز ایستاده‌اند.

«صالح بن ابوالاسود» گوید: امام صادق(ع) سخن از مسجد سهله راند، آن گاه فرمود: «أما إته منزل صاحبنا إذا قام بأهله» (15)، به درستی که مسجد سهله منزل صاحب ماست؛ آنگاه که [پس از قیام] با اهل خود در آنجا فرود آید.

همچنین آن حضرت به ابابصیر فرمود: «یا ابا محمد کأئی اری نزول القائم فی مسجد السّهلة بأهله و عیاله»، ای ابامحمد، گویا حضرت قائم را در مسجد سهله می‌بینم که با زن و فرزندانش در آن نازل می‌شوند، ابوبصیر پرسید: آیا مسجد سهله خانه‌اش خواهد بود؟ حضرت فرمود: «نعم، هو منزل ادریس و ما بعث الله نبیاً اِلَّا وقد صلی فیهِ و الملائکة یأوون اِلی هذا المسجد یعبدون الله» (16)، آری، این مسجد، منزل ادریس است. خداوند هیچ پیامبری را برنینگیخت، مگر آنکه در این مسجد نماز گزارد، هر کس در این

مسجد بماند، مانند آن است که در خیمه رسول خدا(ص) اقامت کرده است، هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر آنکه دلش به سوی آن مسجد پر می‌کشد، روز و شبی نیست مگر آنکه فرشتگان به این مسجد پناه می‌برند و در آن به عبادت خدا می‌پردازند.

همان طور که اشاره شد، کوفه نیز مرکز حکومت مهدی(عج) قلمداد شده است، چگونگی زندگی در عصر ظهور به روشنی مشخص نشده ولی به نظر می‌رسد، تفاوت بسیاری با نحوه زندگی امروزی داشته باشد. تکامل علوم بشری، کمال عقلانی بشر، توسعه خارق‌العاده امکانات و رفاه عمومی، امنیت فراگیر بر کل کره زمین و... به طور قطع، ویژگی‌هایی را برای زندگی در آن زمان ایجاد خواهد نمود که امروز درک دقیق آن برای ماکاری بس مشکل است.

از امام باقر(ع) نقل شده که در بخشی از یک روایت طولانی فرمود: «ثُمَّ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُهَا وَتَكُونُ دَارَهُ»(17)، آن گاه [حضرت مهدی(عج)] به سوی کوفه می‌رود، پس آنجا را برای منزل بر می‌گزیند و کوفه خانه او خواهد بود.

\*پی‌نوشت‌ها:

1. سیدبن طاووس، الاقبال، ص 298.
2. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج 2، ص 143.
3. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج 2، ص 119.
4. کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 164.
5. همان، ج 2، ص 80.
6. اصول کافی، ج 2، ص 141.
7. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص 162.
8. اصول کافی، ج 2، ص 140؛ ابن ابی زینب، غیبت نعمانی، ص 188.
9. اصول کافی، ج 2، ص 118؛ شیخ مفید، الارشاد، ج 2، ص 348؛ کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص 232.
10. غیبت نعمانی، ص 181.
11. همان، ص 315.
12. طبری، دلائل إمامه، ص 291.
13. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 53، ص 174.
14. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص 263.
15. شیخ طوسی، التهذیب، ج 2، ص 252.
16. بحارالانوار، ج 52، ص 317.
17. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص 475.